



سخن سردبیر: تفکیک = تعبد در ساحت تعقل!

پدیدآورده (ها) : اوجبی، علی
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: کتاب ماه فلسفه :: آذر 1388 - شماره 27
از 2 تا 2
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/780943>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 04/12/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

تفکیک = تعبد در ساحت عقل!

جز رکود و ایستایی یک علم در پی نخواهد داشت؛ اساساً مگر امکان دارد معرفتی بشری و درکی انسانی از حقایق دینی عاری از هرگونه خطا باشد؟ چگونه است که در فروعات دینی این اختلاف رواست، و خاطی در کنار مصیب مآجور است، اما در بنیادهای اعتقادی دینی که به نص صریح شارع مقدس می‌باید به سراغ اندیشه و خرد، و بحث و گفت و گو رفت، گروهی سرخوشانه به خود این اجازه را می‌دهند که خویش را مدار حق بدانند و رهیافت‌های خود را مساوی با وحی؟! آیا در چنین فضایی می‌توان شاهد شکوفایی معارف عقلانی دینی بود؟ چنین به نظر می‌رسد که «تفکیک» نوعی اخباری‌گری جدید در ساحت عقلیات است و بی تردید همان گونه که جریان افراطی اخباری در حوزه فقه می‌رفت تا بنیان اجتهاد را براندازد، انگاره تفکیک نیز حوزه دین پژوهی معاصر را با آسیب‌های جبران ناپذیر و اقبال نسل جوان به گوهر ناب دین را با موانع جدی روبرو خواهد کرد.

چهارم: عناد و ستیز با فلسفه و آموزه‌های عقلانی، تفکیکی‌ها را تا بدانجا پیش برده که برای گریز از سختیت علت و معلول، بدیهی‌ترین قاعده‌ای را که اساس هر گونه تفکر و اندیشه بلکه اساس آفرینش و هستی است، از بیخ و بن انکار کنند! مصباح الهدی، ص ۶۱ حال تو خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل. آیا با چنین عالمان قشری مسلک می‌توان به گفت و گو و مباحثه نشست؟! اساساً با چنین دیدگاهی گفتمان، نقد و داد و ستد معرفتی، امکان وقوعی دارد؟! آخر چگونه ممکن است بدون باری قواعد و اسلوب عقلانی به آموزه‌های دینی حتا در ساحت احکام دست یازید؟! مگر فهم معارف عقلانی قرآنی و احادیثی که مربوط به حوزه معارف بنیادین اعتقادی است جز با تعقل امکان پذیر است؟! مگر اصول فقه که ابزاری ضروری بلکه مهمترین مقدمه استنباط احکام شرعی فرعی است جز رهاورد مباحث عقلانی است؟!

پنجم: اصطلاح «تفکیک» و مخالفت با فلسفه و عرفان گر چه برای نخستین بار در دهه‌های اخیر در باره مبنای شناختی و مکتب معارفی خراسان به کار رفت، اما بر خلاف آنچه ادعا شده، نظریه‌ای نو ظهور که ریشه در اندیشه‌های سید موسی زر آبادی قزوینی (۱۲۹۴ - ۱۳۵۳ ق)، میرزا مهدی غروی اصفهانی (۱۳۰۳ - ۱۳۶۵ ق) و شیخ مجتبی قزوینی (۱۳۱۸ - ۱۳۸۶ ق) داشته باشد نیست، بلکه از آغاز تولد میمون فلسفه و عرفان، در طول تاریخ در چهره‌ها و قالب‌های گوناگون حضور داشته که متکلمان اشعری، امام فخر رازی تندیس تردید، غزالی مؤلف تهافت الفلاسفه شمار اندکی از آنان‌اند.

ششم: تفکیکی‌ها حتا در دوران معاصر در یک طیف قرار ندارند: گروهی از اساس منکر فلسفه و عرفان‌اند و شماری ضمن اعتراف به ارزش فلسفه و عرفان دیواری به درازای ابدیت میان آن دو و معارف دینی ترسیم می‌کنند.

کتاب ماه فلسفه به دلیل اهمیت این جریان فکری بسیار علاقه مند است به تحلیل و نقد آن بپردازد. از این رو از تمامی مدافعان و منتقدان نظریه تفکیک در خواست می‌کند ما را در انجام این مهم یاری کنند. گر چه پیش از این بارها از موافقان خواستیم تا با حضور در یک سلسله نشست و یا نگارش مجموعه مقالات در این مباحثه ارزشمند و تأثیرگذار مشارکت کنند، اما هیچ پاسخی دریافت نکردیم! و همچنان به امید قبسی به انتظار نشستهایم که شب دراز است و قلندر بیدار..

«مکتب تفکیک، مکتب جداسازی سه راه و روش معرفت، و سه مکتب شناختی است در تاریخ شناخت‌ها و تأملات و تفکرات انسانی، یعنی راه روش قرآن و راه روش فلسفه و راه و روش عرفان» | مکتب تفکیک، صص ۴۶ - ۴۷.

در این مجال به هیچ روی در صدد نقد علمی جریان تفکیک نمی‌باشم و ضمن اعتراف به پاکدلی و نیک سرشتی مدافعان نظریه یاد شده که از روی تعهد و دین داری به چنین رهیافتی دست یازیده‌اند، تنها به ذکر چند نکته بسنده می‌کنم:

نخست: آنچه امروزه به غلط از آن با عنوان «مکتب تفکیک» یاد می‌شود، در واقع توهم انگاره‌ای بیش نیست. زیرا «مکتب» در اصطلاح به یک دستگاه معرفتی نظام مند اطلاق می‌شود. در حالی که پیروان و پیش تازان این رویکرد، هیچ ساختار معرفتی منسجمی ارائه نکرده‌اند.

در واقع، توهم تفکیک، رهیافت و واکنشی است متعصبانه و متعهدانه از سوی گروهی از دین پژوهان در مقام دفاع از ساحت قدسی دین در برابر دشمنی فرضی و پاسخ به شبهه‌های خیالی؛ یعنی ورود معارف غیر دینی به عرصه دین و یا انتساب آموزه‌های غیر دینی به دین.

دوم: بدون شک، معرفت حقیقی، دانشی است با موضوع، غایت و روشی خاص؛ و آنچه باعث تمایز معارف حقیقی می‌گردد، موضوع آنهاست؛ و آن گاه که موضوع دانش‌ها تداخل می‌کند، این روش و غایت است که باعث تمایز و تفکیک بیشتر می‌شود. بنابر این، معارفی چون فلسفه و عرفان، نه از این روی که غیر دینی‌اند و یا تهافتی با آموزه‌های دینی دارند - که ندارند - ممتاز از معارف دینی‌اند، بلکه بنابر قاعده یاد شده حتی خود معارف دینی چون علوم قرآنی، علوم روایی، فقه و ... خود دانش‌هایی با موضوع، غایت و روشی جدای از یکدیگرند.

به دیگر سخن: جدایی ذاتی فلسفه و عرفان از معارف دینی، درست همانند جدایی ذاتی فلسفه از عرفان و نیز جدایی ذاتی یکایک معارف دینی از یکدیگر و بر اساس ضابطه معرفت‌شناسانه است؛ و کشف و ابداعی تازه نیست؛ ضابطه‌ای که طرفداران تفکیک ناشیانه تنها بخشی از آن را که به سود خود می‌انگاشته‌اند تصاحب کرده و به خود منسوب داشته‌اند.

سوم: یکی از مغالطه‌هایی که برخی از نظریه پردازان تفکیکی دچار آن شده‌اند، مصادره به مطلوب و جزم اندیشی است؛ کاستی که در حوزه دین پژوهی بیشتر آسیب می‌زند و گاه فاجعه می‌آفریند. مدعیان تفکیک، قرأنت خود از دین را منطبق بر واقع می‌دانند، و هر گونه آموزه مخالف آن را مخالفت آشکار با دین، وحی و فرامین امامان معصوم (ع) می‌انگارند و مدعی‌اند مخالفان تفکیک «اگر نیک بنگرند و از برخی ملاحظات و عناوین دل بکنند، بخوبی در می‌یابند که قرآن کریم و اهل بیت (ع) و خلوص و استغنا معارف قرآنی و اوصیایی (که در شناخت حقایق، به هیچ نحله و فلسفه و عرفان و افکاری - از قدیم و جدید و شرق و غرب - نیازمند نیستند) طرف ایشان‌اند نه ما.» | پیام جاودانه، ص ۲۳۴ |

براستی در این آشفته بازاری که یک سوی بحث خود را حق مطلق می‌داند و خصم را مخالف اهل بیت (ع)، چگونه می‌توان به جدال احسن پرداخت. تاریخ علم خود بهترین گواه است که جزم‌اندیشی، دگماتیسم و افراطی‌گری، رهاوردی